

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرف بريته أجمعين محمد وآله الطاهرين لا سيما بقيّة الله في الأرضين عجل الله تعالى فرجه.

موضوع بحثمان عبارت از این است که یک اموری از اهل سنت شروع شده است اما آنها را به شیعیان نسبت داده‌اند. این مسئله فی الواقع اتهام است.

یک آقای که منسوب است به شیعه و از شیعیان شمرده می‌شود و در حال حاضر در خارج از کشور است، نمی‌دانم چه تاریخی صحبت کرده است اما بنده به تازگی حرف‌هایش را شنیدم، او هم تحریف را به شیعیان نسبت می‌دهد.

بنده به جهت اینکه کسی تحت تاثیر حرف‌های او قرار نگیرد، لازم دانستم که توضیح بدهم مسئله تحریف را.

در جلسه گذشته عرض کردم که از جمله اموری که آنها خودشان جعل کردند و ابداع کردند که به ما نسبت دادند، تجسیم است. آنها به برخی از اصحاب ائمه «عليهم الصلاة والسلام» نسبت داده‌اند. در حالی که قائل تجسیم خود آنها هستند و از آنها شروع شده است.

و یا برخی از امور دیگر که در جلسه گذشته ذکر کردم که شاید مسئله جبر هم همین گونه باشد می‌گویند اولین کسی که قائل به جبر شد، معاویه است. پس اگر دیدید که نسبت دادند به برخی از اصحاب ائمه «عليه الصلاة والسلام» جبر را، باید بدانیم که از آنجا شروع شده است. و این نسبت‌ها صحت ندارد. و ائمه ما فرموده‌اند: لا جبر ولا تفويض بل أمر بين الأمرين.

و همچنین مسائل دیگر از جمله مسئله تحریف قرآن که این مسئله ابتدا از خود آنها شروع شده است و قرآن را خود آنها جمع کردند. این قرآنی که در حال حاضر در دست ما است و اهل بیت «عليهم الصلاة والسلام» تاکید دارند بر حفظ این قرآن، بر تلاوت این قرآن، بر عمل به این قرآن، بر احترام این قرآن الی آخر، این قرآن را خود صحابه جمع کرده‌اند صحابه‌ای که هیچ ارتباطی به اهل بیت «عليهم الصلاة والسلام» ندارند و آنها تدوین کردند قرآن را به شکل مصحفی که در حال حاضر وجود دارد.

مثال زدم اینکه عبدالله بن مسعود قائل به زیاده در قرآن است. این حرف خیلی باطل است. و آقایان متحیر هستند که چگونه این عقده را حل کنند. خودشان تعبیر به عقده می‌کنند. می‌گویند این مسئله یک عقده است از طرفی عبدالله بن مسعود از صحابه بزرگ است، از طرفی سند هم صحیح است، در حالی که عبدالله بن مسعود قائل بوده است که معوذتین جزء قرآن نیست و به قرآن اضافه شده است.

در اقوال صحابه می‌یابیم متعدد مخصوصاً از عبدالله بن عباس که در این قرآن موجود، غلط وجود دارد! این مسائل را هرگز ما نگفته‌ایم. ائمه ما «عليهم الصلاة والسلام» هیچ موقع چنین حرف‌هایی را نزده‌اند.

اگر دیدید در یک موقع نسبت داده شد به کسی از اصحاب ائمه «علیهم الصلاة والسلام» بدانید که تهمت است.

اما تحریف قرآن به نقیصه، اگر بخواهم برایتان مواردی را که اطلاع دارم از قول به نقصان قرآن از آنها، ذکر همه آن موارد به نظرم دو یا سه جلسه لازم دارد. انتخاب کردم که سه مورد را برایتان بیان کنم از موارد تحریف قرآن به نقیصه:

۱. مورد اول موردی است که در صحیح بخاری و صحیح مسلم و مسند احمد و تاریخ طبری و همه منابع دست اول عمدتاً خود بخاری موجود است که خلیفه دومشان در خطبه همان خطبه‌ای که شوری را عنوان کرد، ما در اسلام شوری نداشتیم نسبت به امامت و خلافت، شوری اصلاً مطرح نبود، شورایی را که برای امامت و خلافت مطرح شد از او است و او در خطبه‌ای را که در نماز جمعه مطرح کرد، که آن را هم بنده نوشتم در کتبی که از بند چاپ شده است قضیه را شرح دادم که چطور شد چه اساساً شوری را عنوان کرد؟

خلاصه‌اش این است که جمعی از اصحاب امیرالمومنین «علیه الصلاة والسلام» گفته بودند به اینکه در اول کار ما کوتاهی کردیم **کانت بیعة ابي بکر فلتة** به ضم فاء. که در این هم فایده‌ای هست آنها که اینگونه گفتند خبر رسید به خلیفه دومشان و شوری را مطرح کرد به جهت اینکه با امیرالمومنین «علیه الصلاة والسلام» کسی بیعت نکند.

در خطبه‌ای که در نماز جمعه داشت، آنجا دو آیه ذکر کرده است که این دو آیه الان در قرآن مجید وجود ندارد. و صراحتاً می‌گوید که این‌ها قرآن هستند. نگاه کنید هم در صحیح بخاری و هم در صحیح مسلم و هم در مسند احمد و در باقی منابع دست اولشان این قضیه مطرح شده است.

۲. مورد دومی که می‌خواهم عرض کنم این قضیه است که سهیل بن عمرو بزرگ بنی امیه بوده بزرگ قریش بوده همانند ابوسفیان. که این‌ها مدت‌ها با رسول الله «صلی الله علیه وآله وسلم» جنگیدند و در آخر در فتح مکه تظاهر به اسلام کردند، حضرت فرمودند: **اذهبوا فأنتم الطلقاء**.

این سهیل بن عمرو دختری دارد به نام سهیله. سهیله می‌گوید رفتم از پیغمبر اکرم «صلی الله علیه وآله وسلم» اذن گرفتم، (ببینید چه دروغ بزرگی است این مطلب در منابع دست اولشان وجود دارد.) این سهیله دختر سهیل بن عمرو، غلامی داشته که می‌خواست با این غلام ارتباط داشته باشد به هرجوری، می‌گوید رفتم از پیغمبر اکرم «صلی الله علیه وآله وسلم» اذن گرفتم، حضرت به من یاد دادند این‌ها دیگر به تعبیر خودم است، حضرت به من یاد دادند که اگر آن غلام ۱۰ مرتبه از من شیر بخورد، به من محرم خواهد شد. **رضاع الکبیر**.

آن خانمی که جنگ جمل را رهبری کرد، از این قضیه خیلی خوشش آمد. او هم می‌خواست که کسانی محرمش بشوند. گفت در این زمینه آیه‌ای داریم از قرآن مجید!!! در قرآن کریم آیه‌ای در این مورد نازل

شده است!!! کجاست آن آیه که ما خبر از آن آیه نداریم؟ گفت بر برگ درختی این آیه نوشته شده بود، فتشاغلنا بموت رسول الله «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» فدخل الداجن فأكلها.

این هم آیه رضاع کبیر لذا اگر به منابع دست اولشان مراجعه کنید خواهید دید که بای دارند به نام باب الرضاع الکبیر.

آن وقت ببینید ام سلمه و ازواج رسول الله «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» گفتند ما ابدأ چنین چیزی را قبول نداریم و همچنین چیزی وجود ندارد، و غلام این همسر رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» حق ورود بر ما را ندارد. این هم مورد دومی که می‌خواهم عرض کنم.

کجاست این آیه رضاع کبیر؟ فدخل الداجن فأكلها.

۳. مورد سوم قضیه سوره براءت است. شما به کتاب الدر المنثور مراجعه کنید از بزرگان محدثین روایت می‌کند که سوره براءتی که در حال حاضر وجود دارد یک چهارم سوره براءتی است که نازل شده است! وما تقرؤون إلا ربعا. چرا؟ زیرا در آن سه چهارمی که از بین رفته است، اسامی صحابه وجود دارد، اسامی قریش وجود دارد که مذمت شده‌اند از ناحیه خداوند متعال، و این‌ها حذف کرده‌اند آن سه چهارم سوره را. وما تقرؤون إلا ربعا.

من فقط این سه مورد را در این جلسه برایتان عرض کردم.

می‌خواهم بگویم که این باطل که باطل است تحریف قرآن، این باطل از خود آنها شروع شده است و بی‌جهت به ما نسبت ندهند.

شیخ طوسی، شیخ صدوق، سید مرتضی و سایر بزرگان دست اول شیعه، صریحا اعلان می‌کنند و اجماع بیان می‌کنند بر اینکه قرآن هیچگونه تصرفی درش نشده است، نه به زیاده و نه به نقیصه.

فعلاً به این مقدار اکتفا می‌کنم به جهت آنکه آن آقایی که این مطالب را به ما نسبت داده است، منسوب به شیعه و تشیع است، مبادا برخی از افرادی که کم مطالعه هستند و کم اطلاع هستند تحت تاثیر حرف‌های او قرار بگیرند.

مسئله دومی که او به ما انتقاد کرده است مسئله لعن است. در جلسه آینده ر این مورد چند کلمه‌ای صحبت خواهم کرد که بدانید لعن از آنها شروع شده است، آنها اول این کار را شروع کردند و همچنان ادامه پیدا کرد و اینکه در دعاهای ما وجود دارد و در زیارت‌های ما وجود دارد و امثال ذلک، این نه این است که ما ابتدا کرده باشیم اولاً. و ثانیاً دلیل دارد هم از کتاب و هم از سنت که إن شاء الله در جلسه آینده عرض خواهم کرد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطاهرين.